

دیدگاه‌های مستشرقان در جمع قرآن و نقد آن

صدیقه غفوری^۱، رضا بنی اسدی^۲

^۱ طلبه سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی قرآن، حوزه علمیه خواهران امام حسین ع یزد، یزد، ایران
^۲ استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

هر قرآن کریم، معجزه جاویدان پیامبر اسلام و منشور ابدی این رسالت پس از پانزده قرن همچنان کانون توجه، پژوهش و بررسی اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان است. بخش بسیار چشمگیری از مطالعات خاورشناسان به شناختن قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس مسلمانان معطوف شده است. این مطالعات که از اواخر قرن نوزدهم میلادی گستردگی محسوسی داشته، بنا به دلایل متعددی در دهه‌های اخیر رویکرد نوینی پیدا کرده است. در زمینه تاریخ قرآن، به‌ویژه موضوع جمع و تدوین قرآن در پژوهش‌های غربی با رویکردهای مختلف بررسی شده است. در پژوهش حاضر به بررسی مسأله جمع قرآن، و دیدگاه مستشرقین درباره آن، و نقد و بررسی نظریات ایشان درباره جمع قرآن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، جمع قرآن، مستشرقین.

۱. مقدمه

قرآن کریم، معتبرترین منبع معارف اسلامی و از جنبه‌های گوناگون، کتابی بی‌نظیر و بی‌همتا است. لذا هر مسلمانی علاقه‌مند است که با تاریخ کتاب دینی خود آشنا شود و از میان مدارک و منابع موجود میزان توجه و اهتمام مسلمانان صدر اسلام و یاران پیامبر اکرم(ص) را به این کتاب مقدس به دست آورد، برای مسلمانان جالب است قرآنی که اکنون بی‌هیچ تغییر و تحریفی در دست ما است چه فراز و نشیبی را در بستر تاریخ پیموده است. یکی از دقیق‌ترین مباحث علوم قرآنی، بررسی تاریخ نگارش و تدوین و جمع قرآن است.

تاریخ به روشنی گواهی می‌دهد که وحی آسمانی از اهمیتی خاص میان مسلمانان برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که در طول تاریخ در دو زمینه حفظ و کتابت قرآن همه توان و امکانات خویش را به کار گرفته‌اند. با این وجود، مسئله تاریخ جمع‌آوری قرآن و این که به دستور چه کسی بوده، از مسائل مهمی است که همیشه مورد نزاع میان اندیشمندان از فرق مختلف اسلامی و حتی دانشمندان غربی بوده است.

قرآن به عنوان کتاب مقدس مسلمانان از دیر باز مورد توجه غربی‌ها بوده است. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد با ورود سپاهیان مسلمان به سرزمین‌های غرب مسیحی اروپایی در اوایل قرن هفتم میلادی، غربی‌ها به اهمیت این کتاب پی بردند و در محافل کلیسای فعالیت‌هایی در مخالفت با آن آغاز شد ولی نخستین ردیه‌های مسیحیت بر قرآن در کلیساهای شرقی نوشته شده است.

اگرچه پس از رنسانس ارتباط دانشمندان غربی با اسلام و قرآن تا حدودی معتدل شد، اساس و مبنای آگاهی و شناخت اروپا از قرآن به طور چشمگیری از اندیشه‌های افراطی ضد اسلامی روحانیون قرون وسطی متأثر بود.

از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، یعنی در عصر حاکمیت اندیشه‌های پوزیتیویستی، دانشمندان غربی فعالیت‌های ارزنده‌ای در جهت قرآن پژوهی انجام دادند.

ولی چنان که ویژگی مطالعات پوزیتیویستی است در مسیر پژوهش‌های خود بیشتر در نقد و نفی اصالت این کتاب مقدس کوشیدند تا شناخت بی‌طرفانه و منصفانه از آن.

اما با دگرگونی‌ها و تحولاتی که در جهان علم و فلسفه علم روی داد و منطق پوزیتیویست‌ها را دستخوش تحول جدی کرد، شاهد آن بوده‌ایم که اندیشه‌های پُست مدرن روند پژوهش‌های قرآنی خاورشناسان را نیز دگرگون کرده است و مطالعات جدید قرآن پژوهان غربی تا حدود زیادی در جهت شناساندن معارف قرآن به اروپائیان و اصلاح دیدگاه آنان نسبت به قرآن موفق بوده است.

۲. جمع قرآن

واژه «جمع» در زبان عربی معانی مختلفی دارد. این واژه در گزارش‌ها و روایات‌های مختلفی که درباره جمع قرآن آمده نیز به یک معنا بکار گرفته نشده است. این واژه از ریشه (ج - م - ع) است و به دو صورت اسم و مصدر به کار رفته است زبان‌شناسان معانی زیر را برای آن بیان نموده‌اند:

- افزودن اشیاء مختلف به یکدیگر و نزدیک کردن برخی از آن چیز به برخی دیگر از آن

- جمع کردن و گردآوردن چیزی وقتی که پراکنده باشد

- یکجا جمع شدن، گرد هم آمدن مانند معنایی که در اجتماع و جامعه هست.

- سپاه، جمع به معنای لشکر

- به مزدلفه هم جمع می‌گویند. بدلیل اینکه در آنجا مردم گرد هم جمع می‌شوند.

اما راغب در مفردات می‌گوید: جمع یعنی نزدیک نمودن و پیوستن بعضی از چیزی به بعضی دیگر آن (پارسا، ۱۳۹۰، ص ۱۰)

جمع قرآن در اصطلاح علوم قرآنی دارای دو معنا است:

اول، حفظ کردن، به خاطر سپردن و از بر کردن. برخی جمع در آیه شریفه «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ» (قیامه/ ۱۷) را به این معنا دانسته و بر اساس این معنا حقاظ قرآن را «جماع القرآن» نامیده‌اند.

دوم، نگارش قرآن که به چند صورت بوده است: الف) نگارش قرآن به صورت پراکنده و بدون رعایت نظم و ترتیب بین آیات و سوره‌های آن؛ ب) نگارش قرآن با رعایت نظم و ترتیب بین آیات سوره‌ها؛ ج) نگارش قرآن با مراعات ترتیب بین آیات و سوره‌های آن (صبحی صالح، ۱۳۷۲، ص ۶۵).

در رابطه با جمع قرآن کریم که چه کسی آن را جمع کرده و در چه عصری جمع آوری شده، هر یک از محدثان و مفسران اقوال مختلفی را مطرح کرده‌اند. برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. بر اساس برخی روایات، زید بن ثابت و گروهی دیگر در عصر پیامبر اکرم (ص) قرآن را جمع‌آوری کردند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۲۶، ح ۲۸۵۴).

۲. بنا به برخی روایات، جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) به وسیله چهار نفر - که همه از انصار بودند - انجام شد که عبارت بودند از: ابی، معاذ بن جبل، ابو زید و زید بن ثابت. (البخاری، ۱۴۲۲، ج ۱۳، ص ۱۲۰)

۳. بر اساس برخی دیگر از روایات، جمع قرآن به وسیله امام علی (ع) بوده است؛ چنان‌که خود فرمودند: «وقتی پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله - وفات یافت عهد کردم که ردایم را بر نگیرم مگر برای نماز جمعه تا اینکه قرآن را جمع کنم، و آن را جمع کرد.» (ابن ابی داود، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۹ / السیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۰۹)

۴. بر اساس برخی دیگر از روایات، زید بن ثابت پس از وفات پیامبر و به دستور خلیفه وقت - ابوبکر - به جمع‌آوری قرآن کرد و این کار پس از آن صورت گرفت که بسیاری از قاریان قرآن در روز یمامه کشته شدند. این صحف نزد ابو بکر ماند تا اینکه او از دنیا رفت. سپس تا عمر زنده بود نزد او مانده است و بعد نزد حفصه دختر عمر باقی ماند. (البخاری، ۱۴۲۲، ج ۱۶، ص ۴۶۷ / السیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۰۸)

۵. برخی بر این باورند که که اولین کسی که قرآن را در مصحفی جمع کرد سالم مولی ابی حذیفه بود. وی قسم خورد که ردا نپوشد تا اینکه آن را جمع نماید، پس آن را جمع کرد آنگاه باهم مشورت کردند که آن را چه بنامند؟ بعضی گفتند: سفر بنامید. گفت: آن اسمی است که یهود آن را بر کتاب خود نهاده‌اند، پس این اسم ناخوشایند آمد، آنگاه گفت: همانندش را در حبشه دیدم مصحف نامیده می‌شد، پس نظرشان بر این جمع شد که آن را مصحف بنامند (همان، ج ۱، ص ۲۰۹).

۶. برخی جمع قرآن را به عثمان نسبت می‌دهند. چنانکه بخاری از موسی از ابراهیم از ابن شهاب از انس بن مالک روایت کرده است که حذیفه بن الیمان نزد عثمان آمد، او که از اختلاف در قراءت قرآن بیمناک شده بود، به عثمان گفت: "امت را در یاب پیش از آنکه اختلاف کنند مانند اختلاف یهود و نصاری". آنگاه عثمان به نزد حفصه فرستاد که صحیفه‌ها را به نزد ما بفرست تا از روی آنها نسخه برداریم و دوباره به تو برگردانیم، پس زید بن ثابت و عبد الله بن زبیر و سعید بن العاص و عبد الرحمن بن الحارث بن هشام را امر کرد آن را در مصحفها نوشتند، عثمان به آن سه تن از قریش گفت: «اگر شما با زید بن ثابت درباره چیزی از قرآن اختلاف کردید آن را به زبان قریش بنویسید زیرا که قرآن به زبان آنها نازل شده است.» پس همین کار را کردند تا اینکه صحیفه‌ها را در مصاحف نوشتند سپس عثمان آن صحیفه‌ها را به حفصه بازگردانید و به هر شهری یک نسخه از آن استنساخ شده را فرستاده و دستور داد که به جز آن هر صحیفه و مصحف را بسوزانید (البخاری، ۱۴۲۲، ج ۱۶، ص ۴۶۸).

از آنچه گذشت روشن می‌شود که اکثر اهل سنت بر این باورند که قرآن بعد از وفات پیامبر اکرم (ص) جمع‌آوری شده است و اما در زمان کدام خلیفه و توسط چه کسی جمع‌آوری شده است اختلاف دارند. در این راستا برخی نیز معتقدند که قرآن کریم سه مرتبه - در دوران رسول خدا (ص)، ابوبکر و عثمان - جمع‌آوری شد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۲۷).

راجع به زمان جمع‌آوری قرآن کریم، میان دانشمندان و محققان شیعه دو دیدگاه وجود دارد: بعضی عقیده دارند که این کار پس از رحلت رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) جمع‌آوری و تألیف شده است. در این باره آیت الله معرفت می‌گوید: «جمع و تألیف قرآن به شکل کنونی، در یک زمان صورت نگرفته، بلکه به مرور زمان و به دست افراد و گروه‌های مختلف انجام شده

است». (معرفت، محمدهادی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۹). وی در ادامه می نویسد: «در مجموع شاید بتوان گفت که عمل جمع قرآن به دست صحابه، پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله از امور مسلم تاریخ است» (همان، ص ۱۲۰). دیدگاه دوم این است که قرآن کریم همچنان که هست، در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) شکل گرفته است. آیه الله خوئی در این باره می نویسد: «نسبت دادن جمع آوری قرآن به خلفا و دوران بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) امری است موهوم و پنداری است غلط و بی اساس که با قرآن و سنت و عقل مخالف می باشد. قرآن در دوران خود پیامبر و به دستور و نظارت وی انجام گرفته است» (خوئی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۲۳).

۳. مستشرقین

از خاورشناسی یا شرق شناسی در عربی با "استشراق" و در انگلیسی با "Orientalism" یاد می شود. این واژه در ابتدا به دانشجوی اهل مشرق زمین اطلاق می شد، سپس در سال ۱۸۱۲م. در فرهنگ آکسفورد به معنای "شرق شناسی" به کار رفته است. (اسکندرلو، ۱۳۸۷، ص ۳۶).

"Orientalism" که به معنای مکتب خاورشناسی بوده، از سه واژه تشکیل یافته؛ "Orient" به معنای خاور، مشرق یا آسیا بوده، پسوند "al" برای ربط است، یعنی مسائل مربوط به مشرق زمین و خاورشناسی و پسوند "ism" به معنای مکتب است (زمانی، ۱۳۸۵، ص ۸۵۳).

استشراق به معنی عام عبارت است از مجموعه فعالیت های پژوهشی غربیان درباره ابعاد مختلف کشورهای شرقی به جز بعد دینی آنها. استشراق به معنی خاص عبارت است از: اسلام شناسی توسط غیر مسلمانان که این تعریف مصطلح حوزه های علمیه و جوامع فرهنگ دینی است. (همان، ص ۵۰-۵۱).

جمع قرآن از مهم ترین مباحثی است که خاورشناسان به آن توجه کرده اند؛ نخستین بار، تئودور نولدکه مستشرق آلمانی در فصل دوم کتابش تاریخ قرآن به مباحث جمع قرآن پرداخت (نولدکه، ۲۰۰۸، ص ۲۳۷-۴۳۳).

سپس رژی بلاشر نیز در بخشی از مقدمه ترجمه اش از قرآن، مباحث جمع قرآن را بررسی کرد. این روند ادامه داشت تا اینکه در تحقیقات اخیر جان برتون اختصاصاً موضوع جمع قرآن را مورد توجه قرار داد و کتابی با عنوان جمع و تدوین قرآن تألیف کرد. بسیاری از مستشرقان معتقدند ترتیب سوره های قرآن در عصر پیامبر (ص) به شکل کنونی نبوده و تلاش کرده اند توفیقی بودن ترتیب آیات سوره ها را که از مهم ترین اندیشه های مسلمانان درباره قرآن است، با هدف اثبات یکسان نبودن قرآن کنونی با قرآن عصر پیامبر (ص) انکار کنند و این بدان جهت است که قرآن در میان کتاب های آسمانی جایگاهی ویژه دارد و تنها کتاب آسمانی است که آیات آن را پیامبری الهی از وحی دریافت کرده است و تاکنون کاملاً مصون مانده است؛ اما پیروان دیگر کتاب های آسمانی بر تحریف و حتی بعضی به آسمانی نبودن کتاب های خود معترف اند، از این رو برای گرفتن این امتیاز از قرآن با اهداف تبشیری به طرح شبهاتی مبنی بر تحریف قرآن پرداخته و در این خصوص در گردآوری شواهد و قرائن تاریخی کوشیده اند (الصغیر، ۱۴۲۰، ص ۱۶).

"آیت الله مکارم شیرازی" انگیزه مستشرقان را همراه با متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار داده و مستشرقان را به پنج قسم تقسیم نموده است:

مستشرقان منصف و حقیقت جو، مستشرقان تبشیری، مستشرقان استعماری، مستشرقان نا آگاه و مستشرقان یک سویه. مستشرقان در حیطه های علمی فراوانی به مباحث قرآنی پرداخته اند، اما بیشتر شبهات، نقد، بررسی و آراء آنها در مباحث علوم قرآن است؛ مانند: اعجاز علمی و تشریعی قرآن؛ که بیشتر شبهاتشان در زمینه اعجاز قرآن، مربوط به اعجاز ادبی و مصدر قرآن است که وحیانی بودن آن را نمی پذیرند، تاریخ گذاری و نزول قرآن، نسخ در قرآن، جمع و تدوین قرآن، تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه، تأثیرپذیری قرآن از عهدین، و ... که به تناسب مباحث مذکور در زمینه علوم قرآن، وارد مباحث تفسیری نیز شده و در این راستا شبهات و نظریاتی را مطرح کرده اند (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۳۳۳-۴۴۱).

به برخی از مستشرقین معروف که در زمینه قرآن کار کرده اند اشاره می کنیم:

۳-۱. تئودور نولدکه

در خاورشناس آلمانی که در سال ۱۸۵۶م. کتابی با عنوان "تاریخ قرآن" ارائه کرد. این کتاب به عنوان رساله دکترای وی بود و پس از آن تلاش خود را در زمینه تاریخ قرآن ادامه داد (داوود، بی تا، ص ۸۵ - ۸۶). وی نظریه های جمع قرآن را در نزد مسلمانان سه گونه می داند: الف) جمع قرآن توسط ابوبکر، ب) جمع قرآن توسط عمر، ج) جمع قرآن توسط ابوبکر آغاز و به خلیفه سوم منتهی گشت. وی اظهار می دارد که قرآن قطعاً نمی تواند در زمان پیامبر جمع شده باشد (نولدکه، ۲۰۰۸، ص ۲۵۲).

۳-۲. ایگناز گلدزیهر

همه روابط خاورشناس مجارستانی که در زمره خاورشناسان یهودی به شمار می رود و نقش به سزایی در ترویج شبهات مربوط به اسلام، رسول خدا، قرآن و حدیث در جهان داشته است. وی در سال ۱۸۵۰م. متولد شده و در سال ۱۹۲۱م. (در سن ۷۱ سالگی) از دنیا رفته است. او در پژوهش های قرآنی خود وامدار نظریات "تئودور نولدکه" در کتاب تاریخ قرآن است. از این خاورشناس آثار مختلفی به جا مانده و در میان آثار وی، با موضوع علوم قرآنی به کتاب گرایش های تفسیری در میان مسلمانان می توان اشاره کرد (پورطباطبائی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴ - ۱۹۵).. دانشمندانی مانند گلدزیهر بسیاری از احادیث جمع قرآن را جعلی و بدون اعتبار و ارزش تاریخی می انگارند و در این که قرآن از طرف پیامبر(ص) آمده تردیدی نداشتند و آن را معتبرترین منبع سیره وی بر می شمردند. (متقی زاده، عیسی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۴-۳۱)

۳-۳. رژی بلاشر

از مستشرق فرانسوی که در سال ۱۹۴۷م. "آستانه قرآن" را نوشت و در سال ۱۹۵۳م. محمد در مکه "را نوشت و در سال ۱۹۵۴م. ترجمه ای از قرآن را تدوین کرد که مقدمه ای مفصل داشت و شامل تفسیری خلاصه بود. این ترجمه در آغاز به ترتیبی اجتهادی از خود بلاشر چاپ شد و در چاپ های بعدی به ترتیب نزول چاپ گشت (داوود، بی تا، ص ۸۷). بلاشر معتقد است که تاریخ قرآن و پیشرفت علوم قرآنی وابسته به سه عامل بوده است: الف) استفاده از خطی بسیار ناقص برای نوشتن قرآن ب) فقدان نسخه ای از وحی که به رهبری شخصی محمد (ص) انجام یافته باشد. ج) توجه به موارد یاد شده، نقص کتابت و فقدان متن ثابت لایتغیر و مراجعه به حافظه و نقل شفاهی را مورد لحاظ قرا می دهد و در نتیجه گیری خود، اشاره ای به جمع قرآن به معنی کتاب مدون در زمان پیامبر(ص) نمی کند. (بلاشر، ۱۳۷۹، ص ۱۵)

۳-۴. ویلیام مونتگمری وات

وی یک مستشرق انگلیسی است که در سال ۱۹۶۹م. کتابی درباره وحی اسلامی نوشت (عبدالله، ۱۴۱۷ق، ص ۹). وی در آخرین کتاب خویش عصاره برداشت خود را از اسلام پژوهی بیان کرده است و معتقد است که مسلمانان اهتمام خاصی برای جمع قرآن قائل بودند و به مجرد نزول قرآن آن را مکتوب می کردند و در سال ۶۵۰م. رسماً قرآن را جمع و تدوین نموده

اند (مونتگمری وات، ۱۹۹۸، ص ۵۹-۶۰). به این ترتیب وی نظریه جمع قرآن پس از پیامبر(ص) را ارائه کرده است، زیرا سال ۶۵۰م. برابر است با سال ۲۹ق. یعنی ۱۸ سال پس از رحلت پیامبر(ص).

۴. نقد کلی استشراق

کلیه مستشرقانی که در زمینه قرآن دست به کار شده‌اند، با نقدهای بسیاری روبرو هستند؛ در اینجا به اهم آن‌ها اشاره می‌کنیم:

اولین مشکل مستشرقان این است که غالباً نمی‌توانند بدون پیش فرض وارد بحث شوند. مستشرقان چون خودشان را مسیحی می‌دانند؛ اساساً اسلام را به عنوان دین آسمانی قبول ندارند؛ پس به طور طبیعی با این پیش فرض وارد مباحث قرآنی می‌شوند که کتابی غیرالهی را بررسی می‌کنند، نه کتابی که صددرصد کلام خداست. (معرفت، محمدادی، ۱۳۸۵، ص ۱۲) دومین نقد این است که برخی از مستشرقان متعصب هستند و برای دفاع از مسیحیت دست به شناسایی اسلام و قرآن زده‌اند یا مامور استعمارند و برای استعمارگران راه درست می‌کنند که در نتیجه نمی‌توانند صرفاً دیدی علمی داشته باشند. سومین اشکال درباره مستشرقین این است که جمعی از مستشرقان غالباً در نشر کتاب‌ها و معارف اسلامی به جست و جو و گزینش کتاب‌ها و موضوعاتی پرداخته‌اند که دارای یک نحوه ضعف بوده که در نتیجه، ضعفی را برای معارف اسلام درست کرده و ترویج داده‌اند (زمانی، ۱۳۸۵، ص ۹۳-۹۵).

فروغ پارسا در کتاب خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن، نظرات مستشرقین درباره جمع و تدوین قرآن آورده و به نقد آن پرداخته که به صورت خلاصه بیان می‌شود:

جمع و تدوین قرآن کریم از دیدگاه خاورشناسان به صورت‌های مختلفی تفسیر شده است. خاورشناسانی که با رویکرد تاریخ‌محور پژوهش‌های خود را سامان داده‌اند تا حدود زیادی روایات مربوط به جمع قرآن کریم به دستور ابوبکر و عثمان را پذیرفته‌اند؛ اگرچه انتقادهایی نیز به روایات وارد آورده‌اند. نولدکه عدم جمع و تدوین قرآن در زمان پیامبر(ص) را امری بدیهی می‌داند؛ درحالی‌که گزارش‌های تاریخی خلاف این امر را نشان می‌دهد. شوالی، روایت‌های جمع قرآن ابوبکر و عثمان را حاوی تناقض می‌بیند، ولی روایت مربوط به جمع عثمان را می‌پذیرد. اختلاف روایات جمع قرآن دلایل مختلفی دارد و نمی‌توان آن را دلیلی بر جعل و بر ساخته بودن آن‌ها دانست. نولدکه جمع‌آوری قرآن به وسیله حضرت علی(علیه السلام) را از مجعولات شیعه می‌داند؛ درحالی‌که بسیاری از منابع اهل سنت این امر را گزارش کرده‌اند. بلاشر، معتقد است در زمان پیامبر(ص) اراده‌ای بر جمع قرآن وجود نداشته است. فقدان امکانات مالی و ویژگی‌های خط عربی، دلایل اعتقاد بلاشر به عدم جمع قرآن در زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) است. بلاشر با نقد روایات جمع قرآن به این نتیجه می‌رسد که قرآن در زمان خلفا (عثمان) جمع و تدوین شده است. بلاشر در نظریه‌پردازی خود به روایات ضعیف توجه کرده است. ریچارد بل، اگرچه انتقادهایی به دیدگاه‌های مسلمانان دارد، ولی معتقد است هسته اصیل روایات به لحاظ تاریخی معتبر هستند. خاورشناسانی که دیدگاه‌های شکاکانه نسبت به اعتبار منابع اسلامی دارند، جمع و تدوین قرآن کریم را خیلی متأخر می‌دانند. گلدزیهر، روایات اسلامی از جمله روایات جمع قرآن کریم را بر ساخته می‌داند و معتقد است جمع و تدوین قرآن در زمان‌های متأخری صورت گرفته است. مینگانا و کارانوا معتقدند جمع قرآن در زمان عبدالملک اموی انجام گرفته است. مینگانا معتقد است روایات جمع قرآن کریم اعتبار ندارند؛ زیرا به طور شفاهی منتقل شده‌اند. مسلمانان و نیز برخی دانشمندان غربی نشان داده‌اند، مسلمانان از همان قرن اول حدیث خود را مکتوب کرده‌اند. مینگانا معتقد است اطلاعات تاریخی مسلمانان برای پژوهش درباره تاریخ جمع قرآن اعتبار ندارد. منابع غیر اسلامی نیز تا قرن هشتم میلادی درباره وجود قرآن کریم سکوت کرده‌اند. مینگانا، بر اساس سنت دیرینه خاورشناسان معتقد است قرآن کریم اقتباسی از کتاب مقدس است و زبان و خط آن نیز سریانی است. برتون با این ادعا که روایات جمع قرآن به دلیل منازعات و اختلاف بین فقهای مسلمان جعل شده‌اند، جمع و تدوین قرآن را به زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) مربوط می‌داند. نزاع و اختلافی که برتون سعی کرده در بین فقهای مسلمان نشان بدهد، واقعی نیست. نظریه برتون درباره جمع قرآن، اساساً تحلیلی به نظر می‌رسد و بنیان علمی ندارد. ونزبرو تدوین قرآن را مربوط به قرن سوم

هجری می‌داند. تحلیل ادبی قرآن، روشی است که وی را به این نتیجه‌گیری تاریخی رسانده است. سکوت منابع تاریخی پیش از قرن سوم هجری، دلیل دیگر ونزبرو برای این نظریه است. روش‌شناسی ونزبرو حاوی تناقض است؛ زیرا وی تلاش کرده با توجه به تحلیل ادبی منابع به حقایق تاریخی دست پیدا کند؛ درحالی‌که از تحلیل ادبی می‌توان نتایج مختلف تاریخ به دست آورد. شواهد باستان‌شناختی بسیاری، از جمله نسخه‌های خطی مسجد صنعاء، کتیبه‌های قبة الصخره، کتیبه‌های مسجدالنبی و پاپیروس‌ها و سکه‌های قرن نخست هجری، ادعاهای مینگانا و ونزبرو را انکار می‌کنند. برخلاف ادعای ونزبرو، مینگانا و دیگران، در منابع غیر اسلامی شواهد بسیاری وجود قرآن را در قرن اول هجری تأیید می‌کنند. این شواهد در موزه‌های معتبر دنیا نگهداری می‌شود. اعتقاد به عدم اعتبار منابع اسلامی صرفاً به دلیل ادعای دیرینه برتری غرب بر شرق است و حتی دانشمندان غربی دوران فرهنگ‌محوری آن را قبول ندارند. ونزبرو به میراث مکتوب شیعه توجه نکرده است. کریستف لوکزنبرگ، معتقد است زبان قرآن، سریانی - آرامی بوده و آموزه‌های آن اقتباسی از کتاب مقدس است. نظریه او درباره ماهیت و زبان قرآن در واقع بازنگاری دیدگاه‌های مینگانا است. فرضیه سریانی، آرامی بودن زبان و خط قرآن با توجه به شواهد باستان‌شناختی و تاریخ پیدایش خط عربی، قابل دفاع نیست. کتیبه رقوش (۲۶۷م)، کتیبه جبل رام (سده چهارم میلادی)، کتیبه ام‌الجمال (۲۷۰م)، کتیبه زبد (۵۱۲م)، کتیبه جبل اسیس (۵۲۸م)، کتیبه حران (۵۶۸م)، کتیبه النماره (۳۲۸م) و کتیبه‌های صلهه نزدیک مدینه (۴ هجری)، نشان می‌دهند که خط عربی برخلاف ادعای مینگانا و لوکزنبرگ از خط نبطی ریشه گرفته است. آشنایی با خط و ابزار نگارش در بین اعراب جاهلی وجود داشته و به همین دلیل در آیات قرآن به آن اشاره شده است. ادعاهای لوکزنبرگ درباره سریانی بودن واژه‌های قرآن، قابل اثبات نیست و با قوانین زبان‌شناختی سازگاری ندارد. اخباری که مکه و حجاز را خالی از خط و کتابت می‌دانند، در برابر روایاتی که وجود خط را در این سرزمین اثبات می‌کنند توان مقابله ندارند. موتسکی با روش تحلیل ترکیبی متن و سند حدیث، روایات جمع قرآن را نقادی کرده و آن‌ها را معتبر می‌داند. هارالد موتسکی که با رویکردی فرهنگی‌محور، مسئله جمع و تدوین قرآن را مطالعه کرده، با توجه به تحلیل روایات، دیدگاه مسلمانان را واقعی‌تر از دیدگاه غربی‌ها می‌داند. در تحلیل نهایی به نظر می‌رسد: اعتقاد به جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) با واقعیت‌های تاریخی و عقیده شیعه نزدیکی بیشتری دارد. با وجود اختلاف روایات، قرآن موجود نزد همه مسلمانان معروف و متواتر است (ر.ک: پارسا، ۱۳۹۰).

با وجود روایات و گزارش‌های مختلف درباره جمع و تدوین قرآن کریم، همه مسلمانان به اصالت و اعتبار تاریخ قرآن کریم اعتقاد دارند و در طول پانزده قرن از نزول قرآن کریم هیچ نسخه متفاوتی وجود نداشته است.

۵. نتیجه‌گیری

قرآن کتاب مهم مسلمانان مورد توجه دانشمندان اسلامی شرق و غرب و حتی غیر مسلمانان بوده و هر کدام به بررسی آن پرداخته و نظریاتی در باره ابعاد مختلف آن از جمله جمع قرآن بیان کرده‌اند. اختلاف نظرهایی بین آنها وجود دارد ولی آنانی که با دیده انصاف و حقیقت‌جویی به بررسی آن پرداخته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که متن تمام نسخه‌ها در جهان بشری یکسان می‌باشد و اختلافی که نشانه وقوع تحریف در آن باشد، وجود ندارد و در زمان پیامبر اسلام (ص) جمع شده و در زمان امام علی (ع) به عنوان صحیفه و بین دو جلد قرار گرفته است.

منابع و مراجع

* قرآن کریم

۱. ابن ابی داود، عبدالله بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، *المصاحف*، قاهره: الفاروق الحديث للطباعة و النشر.
۲. اسکندرلو، محمدجواد، (۱۳۸۷ش)، *مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن*، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپ دوم.

۳. بخاری جعفری، محمد بن إسماعیل، (۱۴۲۲)، *الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاری*، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، بی جا، الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى.
۴. بلاشر، رژیس، (۱۳۷۹ش)، ترجمه محمود رامیار، در آستانه قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. پارسا، فروغ، (۱۳۹۰ش)، *خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اسلامی.
۶. پورطباطبائی، سیدمجید، (۱۳۸۶)، «*قرآن پژوهی گلدزیبر*»، قرآن و مستشرقان، دوره دوم، شماره دوم، ص ۱۹۳-۲۳۴.
۷. حاکم نیشابوری، أبو عبد الله محمد بن عبد الله، (۱۴۱۱ ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
۸. خوئی، سید ابو القاسم، (۱۳۸۲ش)، *بیان در علوم و مسائل کل قرآن*، ترجمه هاشم هاشم زاده هریسی و محمد صادق نجمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
۹. داوود، عبد القهار، (بی تا)، *الاستشراق والدراسات الاسلامیه*، اردن: دارالفرقان.
۱۰. زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. زمانی، محمدحسین، (۱۳۸۵ش)، *شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان*، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
۱۲. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۲۱ق)، *الایقان فی علوم القرآن*، بیروت، ناشر دار الکتب العربی.
۱۳. صبحی، صالح، (۱۳۷۲)، *مباحث فی علوم القرآن*، قم: الشریف الرضی.
۱۴. صغیر، محمدحسین علی، (۱۴۲۰ق)، *المستشرقون والدراسات القرآنیة*، بیروت: دار المؤخر العربی، چاپ اول.
۱۵. عبدالله، محمد امین، (۱۴۱۷ق)، *الاستشراق فی السیره النبویه*، بی جا، المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
۱۶. متقی زاده، عیسی؛ محمدی، باب الله؛ کندی، نبی، (۱۳۹۰)، «*بررسی جمع قرآن پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم و امام علی علیه السلام از نگاه مستشرقان واهل سنت*»، قرآن پژوهی خاورشناسان، دوره ۶، شماره ۱۱، ص ۳۱-۴۴.
۱۷. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۱ش)، *علوم قرآنی*، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید
۱۸. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۵)، «*نقاط قوت و ضعف مطالعات مستشرقان*»، مجله قرآن و مستشرقان دوره اول، شماره اول، ص ۹-۲۶.
۱۹. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۶ش)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: موسسه فرهنگی تمهید، چاپ اول.
۲۰. مونتگمری وات، ولیام، (۱۹۹۸م)، *الاسلام والمسیحیة فی العالم المعاصر*، ترجمه عبدالرحمن عبدالله، قاهره: الهیات المصریه العامه للکتاب.
۲۱. نولدکه، تئودور، (۲۰۰۸م)، *تاریخ قرآن*، بغداد: الجمل.